

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۴ سپتمبر ۲۰۱۳

عالم و متفکر دین !!!؟؟ یا نوکر عرب؟؟

۱

عرب هر که باشد بمن دشمن است
کز اندیش، بد خوی و اهریمن است
ز شیر شتر خوردن و سوسمار
عرب را به جانی رسیده ست کار
که فرکیانی کند آرزو
تقویر تو ای چرخ گردون تقو *
فردوسی

بخش اول

قبل از تبصره در باره همچو عنوانی از خوانندگان چیز فهم این نوشته راجع به انتخاب دو عنوان فوق معذرت می خواهم چون برای شرح یک سلسله موضوعات به ارتباط دین اجباراً از کلمه عالم و متفکر دینی یعنی اصطلاح خود ساخته یک طایفه ای که خود را به چنین نامی و یا توسط باداران استعماری شان منصوب داشته اند، استفاده نموده ام. چون همه می دانیم که دین علم نبوده و نمی باشد تا عالمی داشته باشد این که چرا یک تعداد خود را به چنین مقامی منتصب می دارند، مربوط می شود به تشخیص و فعالیت و نفوذ فرهنگی استعمار و شکل بهره برداری از ساده اندیشی مردمان کشور های مختلف !! امیدوارم تا در مورد اگر هموطنان گرانمایه و همچنان کسی و یا کسانی از این عالمان و متفکرین دینی نظری داشته باشند بنویسند تا باعث روشنگری در مورد شود.

و همچنان در باره لقب (متفکر دین) باید به عرض برسانم که این گروه تازه بیرون شده از فابریکه استعمار به آن طایفه از مردم فریبکار، مغرض و شیطان صفتی ادا و اطلاق می گردد که در اصل در نوکری مستقیم اعراب قرار داشته و برای تثبیت به حق بودن مفکوره عربی جایگاه و موقعیت اجتماعی خود را خواسته و می خواهند در بین توده های خوش باور منحیث نو آور دین، جست و جو کننده حقایق دین، و طرح کننده اصول اساسی دین تحکیم بخشند.

خوب واضح است که چنین افرادی خطرناکتر از ملا های بی سواد و یکدنده و لجوج بوده و می باشند، این ها نوکران و پیروان لوکس، آرایش شده، مدرن و نکتنائی پوش نیرو های استعمار هستند که در چوکات های استدلالات امروزی می خواهند جامه خوشرنگی را به دین و مذهب پوشانیده و با چرندیات و لفاظی آن را برای نسل های به خواب رفته و همچنان روشنگر و رو شنخواه کشور قابل پذیرش جلوه داده و سعی دارند تا به مردم بقبولانند که همه و همه همین دین اسلام است و بس ، چرا؟

این گروه وظیفه دارد تا از دین با جلوه گری های مدرن و یا به اصطلاح خود شان این که دین قابلیت حاکمیت را در ملل عقب افتاده دارا بوده و هیچ حکومتی بدون رهنمائی قانون دینی مشروعیت نداشته و هر حکومتی باید قانون دینی داشته باشد !! یعنی حکومت دینی و دین رهبری کننده مردم در چوکات دولت باید باشد!!

و تا آن جای که همه می دانیم به هر اندازه جامعه و یا کشوری در جاده تکامل انسانی پیشرفته تر باشد و هر اندازه ملتی در استواری حکومت مردمی پیروزی بیشتری به دست آورده باشد در آنکشور پدیده جدائی دین و حکومت نمایان ترمی شود اساس اصلی جدائی دین از حکومت به این اندیشه فلسفی استوار است که مأموریت یک حکومت مردمی اداره امور یک ملت در یک جامعه است نه سرکوب آن !! و رسالت دین در رابطه انسانها با آفریدگار شان توجه به ارزش های اخلاقی و مسایل آنجهانی خلاصه می شود، حکومت های غصب نشده در اختیار نمایندگان مردم و دین در اختیار طبقه روحانی است که می توان دین و مذهب را یک امر خصوصی و فردی در نظر گرفت و در این مورد واسطه ای بین انسان و خدا مطرح نیست

در دین یهود پیام آور و قانون گذار بزرگ یهودیت موسی نخستین روحانی است که اندیشه حکومت الهی رابه عنوان شیوه حکومت برگزیده و اصول آن را اجراء کرده است، (در میان عبریان دوران باستان تعداد پیامبران و رهبران بزرگ دینی در مجموع از تعداد شاهان ویا فرمانروایان آن ها بیشتر بوده است،) در زمان موسی حکومت الهی بنیانگذاری می شود که نه تنها خود را فرستاده خدای یکتا اعلام می کند بلکه زمام امور سیاسی قوم را نیز در دست می گیرد، موسی نه تنها رهبر دین بلکه رهبر سیاسی نیز بوده است فرمان جنگ و دستور صلح با او بوده و همه امور نظامی پیروانش به دستور او عملی می شده است (مثل محمد و اسلام)، چون موسی آنچه می گوید از زبان «یهوه» می گوید و قدسیت دارد باید مردم عوام از او پیروی نمایند و موسی می گوید: او تنها اجراء کننده دستاثر الهی است، آنچه خدا می گوید همان را اجراء می کند و مردم هم باید مطیع چنین دستاثری باشند و او خود رهبری روحانی و حکومت بر قوم خود را در اختیار و صلاحیت خود قرار می دهد و او هم نماینده خدا و هم حاکم بر تعیین سرنوشت مردم می باشد و در چنین آیده ای دین و دولت در انحصار یک شخص و پیروان او قرار می گیرد، که واضحاً ادیان بعدی از چنین روشی به شکل شدید آن پیروی نموده است، در کشور عزیز ما هم از حدود چهل سال به اینطرف شیادانی به نام اسلام در گروه های مختلف دینی و مذهبی متشکل و سعی داشته اند امور زندگی شخصی و سیاسی مردم ما را زیر کنترل خود داشته باشند، آنها مدعی اند که فقط فرمان و دستور خدا را اجراء می کنند، کتاب خدا که آسمانی است و فقط برای پیامبران نازل شده همان قانون اساسی برای تمام مردم جهان می باشد این یک قانون اصلی و الهی است که نیاز به تجدید نظر و اصلاحات ندارد و نه ضرورت به متمم وضمیمه (البته به استثنای ادعای یک تعداد کسانی که حدیث را متمم قرآن می دانند) همه دین باوران و مخصوصاً مسلمین بر این عقیده اند که چون پیامبران فرستاده خدا هستند و به نمایندگی خدا دستورات او را بر بشریت تحمیل و تعمیل می دارند فلذا آنها را راست و حقیقت بوده و باید سر نوشت ساز بشریت از همه جهات باشند؟؟ و در مقام بعدی آنها یک تعداد اشخاص عرض وجود نموده اند که خود را وارثین به حق نمایندگی از خدا دانسته و شوق و ذوق اداره مردم را به سر دارند

، و این حق رهنمائی، دستور دادن و عملی کردن شان هم جزء هدایات و فرامین اسلامی می باشد و می باید در جامعه در هر زمانی که باشد تطبیق شود ، آن ها فکر می کنند که این حق مخصوص قشر روحانی ، ریش دار و ادعا کننده عالم دین بودن است و کسی دیگری حق تشبث، انتقاد و طرح مسایل دیگری را در قبال اینهمه موضوعات دینی ندارد، آنها تصور می کنند که باید رهبری جامعه را به دست داشته باشند و آنچه می خواهند در قالب دین و مذهب به خورد مردم داده و عملاً تطبیق دارند چون ادعا می کنند که آنها در برابر خدا مسؤلیت دیگران را به دوش داشته و جوابده می باشند؟؟ و در روز رستاخیز گناه دیگران از آنها پارسان می شود؟؟ و آنها خود را رهبر و هدایت دهنده بر جامعه می دانند ، ادعا دارند که ایشان به هدایات و اوامر آسمانی عمل نموده فقط در مقابل خدامسؤلیت دارند نه بنده های حقیر و فقیر!!؟ این که چه چیزی معیار این امتیاز دهی به اوشان گردیده برای مردم عوام قابل فهم نیست فقط همین که ریش داشته ، چند آیت و حدیث هم به یاد داشته باشند کفایت می کند که مردم بی خبر نگهداشته شده ما از آنها منحصیث هدایت گران اسلام در جامعه پذیرائی نموده و اعمال و گفتار روزانه زندگی خود را حتی المقدور در همان چوکات ها عیار سازند

تاریخ چهار دهه اخیر کشور می تواند مثال خوبی برای روشن شدن اسلام و قانون مندی و تطبیق آن در کشور ما که اضافه تر از شصت هزار انسان پاک و بی گناه قربانی را در پی داشت، می باشد.

شرایط زندگی مردم و رول داشتن موضوعات اقتصادی بر زندگی آنان در طول تاریخ ثابت نموده که روحانیت و نماینده های خدا و پیروان شان به هیچ وجه نتوانسته و نمی توانند حل کننده مشکلات زندگی مردم بوده و حقوق مساوی را در میان مردم به وجود آورند چون این نمایندگان خدا و هدایت دهندگان آسمانی از ابتدای خلقت این مفکوره تا حال، نتوانسته اند به مردم فقیر و نادار و محکوم نگهداشته شده جامعه کمک مثبت و یا رهنمائی نجات از چنگال اهریمن فقر اقتصادی و فرهنگی داشته باشند ، به عکس با عملکرد های ابلهانه خود تثبیت نمودند که آنچه آن ها بر قدسیت آن ادعا دارند نمی تواند در تداوی زخمهای ناسور شده مردم بی گناه و نادار مؤثر باشد و مرهمی گذارد، بدین ملحوظ میتوان ادعا نمود که باید مردم در راستای تفکر و پیشبرد زندگی انسانی خود آزاد گذاشته شده و خارج از اندیشه های دینی بر مبارزه طبقاتی شان اندیشه، تفکر و مبارزه بدارند.

در باره سیر تکاملی مرحله روحانیت از نوکری استعمار تا رهبری مردم علی حده باید نوشت ، اما به مختصر می توان گفت که چون نتوانستیم بنا بر تأثیر گذار بودن عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی و تسلط نظام های خود کامة بر زندگی مردم که با همکاری همین عالمان و متفکران دینی هر روز محکمتر و با نفوذ تر گردیده است خود را با سیر تکامل بشری عیار سازیم به مرور زمان و آهسته آهسته زیر نفوذ روز افزون این خود فروخته ها، سیر قهقرائی پیمودیم که تا امروز همین ملا گک های نیمچه باسواد و بی سواد سرنوشت ملت ستمکشیده ما را تعیین و مردمان خوشباور ما را زیر نام دین و مذهب به توهین ، تحقیر و کشتن همدیگر مجبور ساخته اند.

این طایفه از مردم، خود برای خود این امتیاز را قایل و یا هم توسط بیخبران از دین و یا هم خوشباوران به این اسم خوانده می شوند و شکل دیگر تبارز آنها هم نظر به شرایط غرض جلوگیری از بیداری مردم یک تعداد از نادانترین و جاهل ترین قشر بیکاره از طرف مقامات دولتی و لزوم دید استعمار جهانی آنها را مجری تطبیق احکام و دساتیر خائینانه خود به ضرر توده های مردم ساخته و مسما نموده اند. در مملکت عزیز ما در شرایط فعلی صرف نظر از تبصره بر سوابق تاریخی همچو عالمان می توان آن ها را به دو گروه تقسیم نمود (در مجموع همه شان یکسان اند) یکی آن تعدادی که دین و مذهب برای شان نان آور بوده و از این تجارت اندوخته های هنگفتی به دست آورده اند ، یک کمی هم با سواد و هم عربی بلد بوده و سرسختانه از

منافع اعراب و نفوذ بیشتر شان دفاع می نمایند (مثل گیلانی ها، مجددی ها، نقیب ها، پیر ها، ایشان ها و همچنان سید ها - رهبران جهادی به شمول تمام آیت الله ها، حجة الاسلام ها، پرو فیسوران اسلامی، داکتران اسلامی و ... اسلامی)

به همه معلوم است که استعمار جهانخوار از همه امکانات موجوده یک کشور غرض تسلط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن استفاده نموده و با پرورش تعداد آدم نماها در همان رشته قابل نفوذ در آن مملکت زمینه تسلط خود را مهیا می سازد.

نیروهای استعماری و دست نشانندگان شان همیشه سعی داشته اند تا به علاوه مقدس جلوه دادن نقش منحوس آنها در چوکات باورهای دینی مردم برای سرکوبی ملت به موجودیت آنها شکل قانونی هم بدهند، و در اکثر ممالک دنیا از دولتهای طبقاتی از تحمیل و همه جانبه سازی دین منحصی و وسیلهای استفاده می کنند و اینها که اکثریت شان بیسواد بوده مشمول همان پرو فیسورهای اسلامی، داکتران اسلامی، آیت الله ها، حجة الاسلام، مولوی ها و ملاهای مساجد که از چلی گیری شروع نموده و طالب شده و بعداً ملا و یا مولوی گردیده اند، می باشند.

دوم: اشخاص و گروههای استند که در ماهیت مثل همینهای که در بالا ذکر شد بوده در خارج از کشور زندگی داشته با استفاده از وسایل مدرن و کمکهای دولت های متبوعه با داشتن هر نوع سابقه غیر ملی تبدیل شدند به عالمان و متفکرین دین خارج از وطن!! یعنی در پناه کشورهایی که مسکن گزیده اند با استفاده از شرایط آزادیهای ممکن!! لازم دیدند که بد نخواهد بود که اگر خودشان هم منحصی عالم دین شناخته شوند؟؟ چون ایشان روی نادانی و جهالت، خود هم از قربانیان دین و عالمان دین بوده و به ممالک دیگر از ظلم و وحشت تسلط و حکمرانی همین دین و عالمان آن!! پناه برده اند!! اما روی ملحوظاتی که نفع مادی زیادی را در این دین نمائی می بینند تلاش نمودند و می نمایند تا خود را در چنین چوکاتی بر مردم ما تحمیل دارند؟ (چه راه غلطی را برای

زندگی کردن انتخاب نموده اند؟؟) و همین بیچاره ها هم به چند نوع نوکر منشی تقسیم شده اند، یکی آنانی که خیلی زرنگ و فعال بوده و از طریق مکتب دیوبندی و یا هم آی. اس. آی. آموخته های دینی اسلامی را آموخته اما محافظه کارانه از آن مرزها دور شده و فرار نموده اند اما برای این که از گزند تیغ شمشیر بادران مصون باشند اجباراً گاهی با کله جنبانی در همان راهی روان اند که سوق دهندگان شان علاقه دارند، آن گروه دیگر مظلوم تر، بیچاره تر اما حرامزاده تر از دیگران در جست و جوی راه نجات بوده و شدیداً به کمک همهکس احتیاج دارند و این قشر بی ماهیت شامل آن کسانی می شود که حتی ابتدائی ترین اصول ادیان را نفهمیده، مکتب نخوانده و

بیسواد مطلق بوده اند، ابتداء چلی بوده و ۲۴ ساعت در خدمت ملا صاحب (در بر گیرنده تمام خدمات به ملا می باشد) به اجرای تمام رفع ضرورت های شان همه خصوصی و یا عمومی مشغول بوده تا ملا صاحب ایشان را از درجه چلی گیری بالا برده و طالب شوند؟؟ هموطنانی که دورانی قبل از کودتای ۷ ثور زنا زاده های پرچی و خلقی را به یاد می آوردند همه می دانند که چلی آن وقت مسؤول رفع تمام ضروریات همه جانبه ملا صاحب و مکلف به آن بوده است!! اما درجه بالا تر از آن به نام طالب یاد می شود، طالب یک درجه بالاتر از چلی است!! چون طالب به علاوه انجام کارهایی که مجبور است آن را انجام دهد حق خواندن کتابهایی مثل، چهار کتاب، کنز، گلستان، امیرارسلان رومی، مشکات، پنج کتاب، هزارو یکشب، نجمای خاکی و...، چند کتاب دیگر مانند آن را داشت که چلی از این نعمت محروم بود، و چلی باید فقط همه وقت مطابق روایت حضرت آیت الله شیخ آصف محسنی باید در خدمت ملا صاحب می بود و بس؟؟ اما قشر بی هویت دیگری که تازه ظهور نموده و فی ما بین این گروهها در حرکت است، پله بین، حرامزاده خلاصه به اصطلاح چپی ها (مرتجع دینی یا اپورتونیست) می باشد

که در ممالک خارجه از این گروه زیاد وجود داشته مطابق درجاتی که خود برای خویش انتخاب نموده اند فعالیت دارند !!! اما !! (به نامهای متفکر دین و محقق دین) تعجب و افسوس بر این است که مردم دور نگهداشته شده ما از سواد و معرفت همه آنها را در یک چوکات قبول داشته و هنوز هم در پیروی از ایشان سینه می‌زنند و چشم بسته اطاعت می‌دارند !!؟

فعالیت‌های دینی و مذهبی کار بی درد سر و نان آور می باشد تعداد زیادی از لفاظ‌های وطنی به این شغل نا شریف میلان داشته‌اند و خواسته‌اند با آن همه بی دانشی و نفهمی رهنمای مردم و رهکشای در های بهشت برای‌شان باشند؟؟ حرف بی مسؤولیت و بی‌منطق گفتن!! از خیالات صحبت نمودن!! کار مشکلی به نظر نمی‌خورد ، چون فقط باید حرف زد ، برای نفهم نگهداشتن مردم و حفظ و ادامه سرمایه استعمار !! همین می‌شود دین؟؟ و نا گفته نباید گذاشت که به تناسب اندک بودن درجه درک و پیشرفت مردم از فهم و دانش، فعالیت این تاجران دینی به اندازه بیش از آنچه تصورش را می توان داشت رونق پیدا نموده که امروز در جامعه های عقب مانده هنوز هم سر نوشت ساز است.

در کشور مصیبت زده ما در دسمبر ۱۹۲۹ اصولنامه تأسیس جمعیت ملا ها تصویب و متعاقباً در کابل مؤسسه (جمعیت العلماء) مرکب از ملا ها و فقهای اسلامی که همیشه مثل آباء و اجداد شان در خدمت گذاری سلاطین دم می شوراندند و طرفدار دولت نادری بودند تأسیس گردید که اعضای مشهورش این‌ها بودند: مولوی بهرام خان قندهاری ، مولوی محمد ابراهیم خان کاموی ، مولوی عبدالرب خان اندری ، مولوی حفیظ الله خان و قاضی عبدالکریم خان ، و همین تعداد بی‌سواد های جاهل و وحشی خونخوار پیرو عرب و سگ های زنجیری دولت های مستبد حکمروا در کشور به ضد قیام کنندگان و مبارزان راه آزادی و انسانیت فتوا صادر می نمودند و فتوای ایشان سند دینی و مقدس برای دولت های زور گو و مطلقه برای محاکمه ، زندانی و تیر باران فرزندان اصیل این کشور بود که به پیروی از اندیشه‌های مخرب همین دلالان دین، بی وجدانان تاریخ ، فرزندان استعمار نوکران عرب امروز در مجموع : فتوای ملا محمد عمر یک چشم = با هم نظری پروفیسور ربانی و پروفیسور صبغت الله مجددی – پروفیسور عبدالرسول السیاف ، پروفیسور ستار سبیرت، آیت الله محسنی ، آیت الله خلیلی ، آیت الله محقق و مارشال و جنرال پهلوان قسیم فهیم(این بیچاره چون بی‌سواد مطلق و در ردیف سومی پوشالی ها و خدمت گزاران استعمار قرار دارد شاید نماز را هم یاد نداشته باشد) ، حجة الاسلام کشف، آیت الله ... که همه‌شان با ریش و بی ریش در خدمت ارتجاع داخلی و استعمار بین‌المللی در داخل و خارج کشور قرار دارند برابر است.

معمولاً این نوع انسان‌ها خود شان را عالم دین می‌نامند به نظر آن‌ها و مردم خوشباور ما عربی گفتن و چند حدیث از یاد داشتن معراج و معیار برای عالم دین بودن است (مثلاً چلی ، طالب ، نیمچه ملا ، ملا ، ده ملا ، مولوی و آنانی که چند آیت قرآن را یاد گرفته اند = با عالمان و متفکرین دین). باید توجه داشت که رو شنفکر و متفکر دینی در تقابل هم قرار دارند نه این که مسیر ثابت مشترک را می‌پیمایند بلکه در تضاد با هم هر کدام طرح هائی دارند. تجدد خواهی دینی (یکی از نمایندگان آن می توان از آدم بی مغز اما داکتر اسلامی فرید یونس نام برد) که نظر به هدایات استعمار جهانی از مدتی به اینطرف مسلمان شده و مصروف جیب پر کنی می باشد برای مقابله با رو شنگری پدید آمده است.

با نگاهی ساده به تاریخ خود متوجه می‌شویم وابستگی طبقاتی این عالمان دین بنا بر پیشرفت علوم آن‌ها را (یعنی گروه اولی که در فوق از آن تذکر به عمل آمد) مجبور به تجدد گرائی نموده است تا با تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی کشور ها منحیث عالم و حتی رو شنفکر و متفکر دینی خود را تبارز دهند تا بتوانند مانند یک سد در مقابل

جنبش های آزادیخواهانه مردم ما حایل گردند تا باشد که تسلط منحوس استعمار را دوامدار سازند و نا گفته نباید گذاشت که آیت الله ها و حجة الاسلام ها ، دکتوران اسلامی، ملا های بی سواد ، چلی ها ، طالب ها همه و همه در مجموع فقط به خاطر حفظ منافع خود و باداران شان از هیچ نوع پستی در بیغ نمی نمایند زیرا منافع طبقاتی شان با هم پیوند می خورد و هر کدام در هر سطح از فهم و دانشی که قرار دارند همان گفته ها را نشخوار می کند که بقیه می دارند.

(هموطن !! باور نما آن چرندیاتی که آن ملای حیوان صفت با گفتن حدیثی راجع به خوردن مواد غایطه محمد در میمنه گفت هیچ تفاوتی با گفتار ، ستار سیرت آقای سادات ، فرید یونس ، داکتر ملا نیازی، مولوی سیمین عمر ، ملا ابوبکر و مجددی ، ارشد ارشاد، سیاف، ربانی ، کشاف ، گیلانی و.... ندارد همه به خوردن زباله های اعراب مشغول اند منتهی هر کدام به شکل و نوع دیگر؟؟) یکی به شکل بدوی و احمقانه و آن دیگری عصری و متمدن با قاشق و پنجه !! یکی با چلتار و لنگی و ریش و آن دیگری با دریشی و نکتائی، برای این عالمان دین فرقی ندارد چی بی وجدانی هائی را منقبتل شده و می شوند؟؟ چی می فروشند و چی می خرند؟؟ و برای باورمند دینی منحنیث خدمتگار بیگانگان در چوکات دین به شکل مقدس آن چی می گوید؟؟ مطمئن هستند آنچه می گویند و به هر زبانی می گویند منظور همان است که آن ها توقع و یقین دارند برای مردم خوش باور ما قابل قبول است.

ادامه دارد

* یادداشت:

لازم به یادآوریست بیفزائیم:

همان طوریکه اعتقاد ما به یک دین و یا آئین نمی تواند به معنای ترجیح قومی مدعی و مروج آن دین و یا آئین تلقی گردد، به هیچ صورت حق نداریم به اساس عدم اعتقاد و یا حتا نفرت از دین و یا آئینی، نفرت مان را از مدعی و مروج آن دین و یا آئین، گسترش قومی و نژادی داده در تخاصم با یک نژاد معینی موضع بگیریم. به همین اساس ما با صراحت کامل اعلام می دارم که ضمن آن که با محتوای شعر نژادپرستانه فردوسی نمی توانیم موافق باشیم، به تمام خلقهای عرب به مانند سایر خلقهای جهان عمیقاً احترام داشته، دست آنده از خلقهای عرب را که علیه ارتجاع مذهبی و استعمار مبارزه می نمایند، به گرمی تمام می فشاریم.

اداره پورتال AA-AA